

نابرابری اطلاعات: شواهدی در رابطه با دوره تصدی و تخصص صنعت حسابرس

شمس اله شیرین بخش *

زهره عارف منش **

آمنه بذرافشان ***

چکیده

یافته‌های تحقیقات نظری حاکی از آن است که تخصص صنعت و دوره تصدی حسابرس موجب بهبود کیفیت حسابرسی و متعاقباً بهبود کیفیت اطلاعات افشا شده و سبب کاهش نابرابری اطلاعات می‌گردد. لذا هدف این تحقیق بررسی رابطه بین تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش به عنوان معیار اندازه‌گیری نابرابری اطلاعات و دوره تصدی و تخصص صنعت حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ می‌باشد. با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه، نتایج تحقیق دلالت بر وجود یک رابطه معکوس و معنادار بین دوره تصدی و تخصص صنعت حسابرس با نابرابری اطلاعات دارد. به عبارت دیگر تخصص صنعت و افزایش دوره تصدی حسابرس موجب کاهش نابرابری اطلاعات می‌شود. بعلاوه تحلیل حساسیت این تحقیق نشان می‌دهد که با تفکیک دوره تصدی حسابرس به سه دوره کوتاه، متوسط و طولانی نتایج مزبور مجدداً تایید می‌گردد. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که رابطه دوره تصدی حسابرس و نابرابری اطلاعاتی متأثر از انتخاب حسابرس متخصص یا غیر متخصص نمی‌باشد. واژه‌های کلیدی: تخصص صنعت حسابرس، دوره تصدی حسابرس، کیفیت حسابرسی و نابرابری اطلاعات.

* استادیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا

** عضو هیئت علمی دانشگاه یزد و دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول) Zohreh_aref@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا

مقدمه

تهیه صورتهای مالی مستلزم استفاده از برآورد و قضاوت پیرامون رویه‌ها و استانداردهای حسابداری مناسب می‌باشد. در این راستا ممکن است اشتباهات سهوی و یا عمدی در صورتهای مالی رخ دهد. بنابراین صحت ارائه صورتهای مالی یک امر نسبی است و مطلق نمی‌باشد. به عبارت دیگر صورتهای مالی صحیح نه قابل تعریف است و نه قابل دستیابی. هدف تمام تهیه کنندگان صورتهای مالی باید ارائه صورتهای مالی صحیح‌تر (صورتهای مالی که اطلاعات بیشتری در اختیار استفاده کنندگان قرار دهد) باشد. چنانچه کیفیت حسابرسی بهتر باشد احتمال اینکه صورتهای مالی به طور مناسب‌تری وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تحت حسابرسی را منعکس کند، افزایش می‌یابد. از آنجایی که میزان اطلاعات در مورد شرکت در هر نقطه‌ای از زمان محدود است، اطلاعاتی که توسط حسابرسی با کیفیت بالاتر به عموم عرضه شده، میزان اطلاعات محرمانه موجود در مورد شرکت را کاهش می‌دهد و در نتیجه نابرابری اطلاعاتی بین فعالان بازار کاهش می‌یابد. کاهش نابرابری بین سرمایه‌گذاران و بازار سازان، به شکاف قیمتی کمتر (تفاوت کمتر قیمت پیشنهاد خرید و فروش) منجر می‌شود. بنابراین شکاف قیمتی، معیار مستقیمی از کاهش نابرابری اطلاعات مرتبط با کیفیت بالاتر حسابرسی را در اختیار می‌گذارد (اسکاور^۱، ۲۰۰۰). تحقیقات زیادی از جمله کریشنان و همکاران^۲ (۲۰۰۳) و بالسام و همکاران^۳ (۲۰۰۳) نشان دادند در مواردی که شرکتها از حساب‌رسان متخصص صنعت و طی چندین سال، از خدمات آنها استفاده می‌کنند، هزینه سرمایه کمتر، ضریب واکنش سود بیشتر، ارقام تعهدی کمتر و رتبه‌بدهی بهتری را دارا هستند. این یافته‌ها را می‌توان اینگونه تفسیر نمود که تخصص و دوره تصدی طولانی‌تر، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد (آلموتاری^۴، ۲۰۰۹).

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش به عنوان معیار اندازه‌گیری نابرابری اطلاعات و دوره تصدی و تخصص صنعت حساب‌رسان در

1- Schauer

2- Krishnan, et al.

3- Balsam, et al.

4- Almutairi

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. از این رو ابتدا تعاریفی از نابرابری اطلاعات، تخصص صنعت حسابرس و رابطه بین آنها و پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده ارائه می‌شود سپس فرضیه‌های پژوهش و روش تحقیق مطرح شده و نهایتاً یافته‌های تحقیق، تحلیل و نتیجه‌گیری کلی بیان می‌گردد.

مبانی نظری تحقیق

نابرابری اطلاعات^۱

نابرابری اطلاعاتی به این معناست که میزان اطلاعات یک گروه از سرمایه‌گذاران پیرامون یک شرکت نسبت به سایر استفاده‌کنندگان بیشتر است (واتر و زیمرمن^۲، ۱۹۸۶).

نابرابری اطلاعات به حالتی اطلاق می‌شود که یکی از طرفین مبادله‌کننده کمتر از طرف دیگر در مورد کالا یا وضعیت بازار، اطلاعات داشته باشد، به عبارت دیگر توزیع اطلاعات بین کلیه استفاده‌کنندگان از اطلاعات، ناهمسان باشد. در صورت نابرابری اطلاعات نه تنها آگاهی یکی از طرفین مبادله در مقایسه با طرف دیگر درباره برخی صفات با اهمیت بیشتر خواهد بود، بلکه احتمال دارد که او از پنهان کردن این اطلاعات منتفع نیز گردد.

منشأ بخش عمده‌ای از نابرابری اطلاعاتی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد شرکت‌ها است و بخشی از آن ریشه در روش‌های جمع‌آوری و گزارش اطلاعات توسط مدیریت دارد. نابرابری اطلاعاتی ناشی از فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری به مدیریت امکان بیشتری برای دستکاری صورت‌های مالی می‌دهد تا بتواند به وسیله مبادلات خودی و همچنین افزودن بر مزایای جبران خدمات، منابع را به خود منتقل کند. چنین تلاش‌هایی هزینه‌بر هستند؛ چون فعالیت‌های مدیریت را از پیشینه‌سازی ارزش شرکت منحرف می‌نمایند و موجب ایجاد هزینه‌های نمایندگی می‌شوند (رضازاد و آزاد، ۱۳۸۷). بر اساس تحلیل‌های تئوریک و شواهد تجربی، افزایش عدم

1- Information Asymmetry
2- Watts and Zimmerman

تقارن یا نابرابری اطلاعات، با کاهش تعداد معامله‌گران، هزینه‌های زیاد معاملات، نقدینگی پائین اوراق بهادار و حجم کم معاملات رابطه دارد و در مجموع منجر به کاهش سودهای اجتماعی ناشی از معامله می‌شود.

توزیع نابرابر اطلاعات میان فعالان بازار موجب عدم کارایی بازار در تخصیص بهینه منابع می‌شود. نابرابری اطلاعات سطح پایین‌تری از نقدینگی سهام و انتظار بالاتر برگشت سرمایه را نتیجه می‌دهد (نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۰).

استنباط بازار از کیفیت حسابرسی، گزارشگری و افشای شرکت بر استنباط بازار از نابرابری اطلاعات و فرصت برای فعالیتهای سودآور با استفاده از اطلاعات محرمانه، تاثیر می‌گذارد. اثرات مثبت حسابرسی که در تحقیقات پیشین بیان شده است (ضریب واکنش بالاتر سود، هزینه سرمایه کمتر و رتبه بدهی بالاتر) می‌تواند از کاهش در نابرابری اطلاعات ناشی شود؛ به عبارت دیگر حسابرسی یکی از راههای کاهش نابرابری اطلاعات و هزینه‌های نمایندگی مرتبط است. از آنجایی که در حسابرسی با کیفیت بالاتر نسبت به حسابرسی با کیفیت پایین‌تر، احتمال کشف و خودداری از خطاهای حسابداری و اظهارهای نادرست بیشتر است، کاهش نابرابری اطلاعات باید در حسابرسی با کیفیت بالاتر، بیشتر باشد (آلومتري و همکاران، ۲۰۰۹).

کیفیت حسابرسی

یکی از متداول‌ترین تعریف‌ها درباره کیفیت حسابرسی، تعریفی است که توسط دی آنجلو^۱ (۱۹۸۱) ارائه شده است. وی کیفیت حسابرسی را این‌گونه تعریف کرده است: ارزیابی (استنباط) بازار از احتمال این که حسابرس (۱) موارد تحریفات با اهمیت در صورتهای مالی و یا سیستم حسابداری صاحب کار را کشف کند، و (۲) تحریف با اهمیت کشف شده را گزارش دهد. احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت را کشف کند به شایستگی حسابرس، و احتمال این که حسابرس موارد تحریفات با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به استقلال حسابرس بستگی دارد. تحقیقات انجام شده در زمینه کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد که عواملی هم‌چون

1- DeAngelo

(الف) معقول بودن حق الزحمه حسابرسی (ب) تعویض ادواری حساب‌برسان (ج) تشکیل کمیته حسابرسی در شرکت‌ها (د) منع ارتباط طولانی مدت با صاحب‌کاران (ه) ادغام مؤسسات کوچک‌تر و تشکیل مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر (و) ایجاد سازوکاری برای پاسخ‌گو کردن حساب‌برسان (ز) تخصص‌گرایی حساب‌برسان - حسابرسی صنایع خاص (ح) تأکید بر بررسی هم‌پیشگان (ح) رتبه‌بندی سالانه مؤسسات حسابرسی (س) وجود قوانین حمایتی از حقوق حساب‌برسان (به ویژه عدم مصالحه در گزارش‌گری موارد نقض)، و موارد دیگر منجر به تقویت کیفیت حسابرسی می‌شود.

کیفیت حسابرسی و تخصص صنعت حسابرس

یافته‌های تحقیقات پیشین حاکی از آن است که حساب‌برسان متخصص صنعت نسبت به حساب‌برسانی که متخصص صنعت نیستند خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری را ارائه می‌نمایند و رابطه مثبتی بین تخصص صنعت حسابرس و معیارهای مستقیم و غیر مستقیم کیفیت حسابرسی مشاهده شده است. استفاده از حسابرس متخصص صنعت با ارقام تعهدی کمتر (کیفیت سود بالاتر) (کریشان و همکاران، ۲۰۰۳) و ضریب واکنش سود بالاتر همراه است (بالسام و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین حساب‌برسان متخصص صنعت حق الزحمه بالاتری دریافت می‌کنند. (فرگانس و همکاران، ۲۰۰۳ و مایهو و ویلکینز، ۲۰۰۳).

تخصص حسابرس در صنعت شامل توسعه ایده‌های سازنده به منظور کمک به صاحبکاران در خلق ارزش افزوده، همچنین فراهم نمودن دیدگاه‌ها و یا راه کارهای تازه برای برخی از موضوعاتی می‌شود که صاحبکاران در صنایع مربوط به خود با آن روبرو می‌شوند. حساب‌برسان برای اینکه به عنوان حسابرس متخصص صنعت شناخته شوند باید: (۱) مسائل خاص صنعت را شناخته و درک نمایند. (۲) سازمان‌های کلیدی در آن صنعت را بشناسند. (۳) در آن صنعت فعال باشند و (۴) از چگونگی تاثیر مسائل خاص صنعت بر بخش‌های مختلف صنعت آگاه باشند (کند، ۲۰۰۸). هر چند در سالهای

1- Ferguson, et al.
2- Mayhew and Wilkins
3- Kend

اخیر توجه زیادی به بحث تخصص صنعت حسابرس معطوف شده اما معیار واحدی برای اندازه گیری تخصص صنعت حسابرس وجود ندارد (نیل و ریلی^۱، ۲۰۰۴). دو معیار اولیه برای شناسایی حسابرس متخصص صنعت عبارتند از: رویکرد سهم بازار (بالسام و همکاران، ۲۰۰۳، دان و مایهوا^۲، ۲۰۰۴) و رویکرد سهم پرتفوی (کریشان، ۲۰۰۳). علاوه بر این، نیل و ریلی (۲۰۰۴) معیار ترکیبی جدیدی که تابعی از سهم بازار و سهم پرتفوی می باشد را پیشنهاد نمودند.

رویکرد سهم بازار، یک حسابرس متخصص صنعت را به عنوان یک موسسه حسابرسی که خود را از سایر رقیبان از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است معرفی می کند. این رویکرد فرض می کند که با مشاهده سهم نسبی بازار موسسه های حسابرسی که به یک صنعت خاص خدمت ارائه می کنند، می توان به میزان دانش تخصص صنعت موسسه حسابرسی پی برد. موسسه ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد از دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت برخوردار است.

رویکرد سهم پرتفوی، توزیع نسبی خدمات حسابرسی را در صنایع مختلف برای هر موسسه حسابرسی مد نظر قرار می دهد. به بیانی ساده هر موسسه حسابرسی دارای صاحبکارانی است که پرتفوی آن موسسه را شکل می دهند. صنعتی که صاحبکاران بیشتری از لحاظ فروش، مجموع دارایی ها و غیره را در پرتفوی مربوط تشکیل می دهد نشان دهنده صنعتی است که موسسه حسابرسی در آن از تخصص برخوردار است. این رویکرد بر این اساس است که هر صنعت برای کل پرتفوی صاحبکار حسابرس چقدر مهم است (کریشان، ۲۰۰۳).

معیار سوم تخصص صنعت معیار ترکیبی پیشنهاد شده توسط نیل و ریلی (۲۰۰۴) می باشد. این معیار سهم پرتفوی و سهم بازار را با هم ترکیب می کند.

چنانچه بازار معتقد باشد که حسابرسان متخصص صنعت، اطلاعات کامل تر، مربوط تر و قابل اعتمادتر را موجب می شود، انتظار است که شرکت هایی که حسابرس متخصص دارند نابرابری اطلاعات کمتری (تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش کمتر) داشته باشند. ممکن است این سوال مطرح شود که چرا بعضی از شرکت ها به دنبال

1- Neal and Riley
2- Dunn and Mayhew

کیفیت بالاتر حسابرسی ارائه شده توسط حسابرس متخصص صنعت نیستند؟ حداقل دو دلیل وجود دارد: ۱) هوگان^۱ (۱۹۹۷) بیان می‌کند شرکت‌هایی که عرضه اولیه سهام انجام می‌دهند بین کیفیت بالاتر حسابرسی و حق الزحمه بالاتر حسابرسی توازن برقرار می‌کنند. بعلاوه، وی نشان می‌دهد که کیفیت بالاتر حسابرسی با کمتر زیر قیمت ارزیابی شدن شرکت در عرضه اولیه سهام ارتباط دارد. شرکت‌های صاحبکار به دنبال حداقل کردن مجموع کمتر ارزیابی شدن سهام و حق الزحمه حسابرسی هستند. ۲) وون^۲ (۱۹۹۶) اظهار می‌دارد ماهیت رقابتی صنعت بر انتخاب حسابرسان تأثیر می‌گذارد. در صنایعی که رقابت زیادی وجود دارد صاحبکار ترجیح می‌دهد که از حسابرس متفاوتی نسبت به رقبا خود استفاده کند زیرا آنها نگران انتقال اطلاعات محرمانه خود می‌باشند. به طور خلاصه، صاحبکار بسیاری از هزینه‌ها و منافع استفاده از حسابرس متخصص را در نظر می‌گیرند.

کیفیت حسابرسی و دوره تصدی حسابرس

دوره تصدی حسابرس عبارت است از مدت زمان رابطه حسابرس - صاحبکار. اثر دوره تصدی بر کیفیت حسابرسی متناقض است: طرفداران چرخش اجباری موسسات حسابرسی استدلال می‌کنند که دوره تصدی طولانی‌تر می‌تواند به کاهش استقلال و بی‌طرفی حسابرس منجر شود. به عبارت دیگر دوره تصدی طولانی‌تر می‌تواند به عنوان افزایش منافع اقتصادی حسابرس تعبیر شود. از سوی دیگر تعدادی از صاحب‌نظران ادعا می‌کنند کیفیت حسابرسی با دوره تصدی حسابرس، بهبود می‌یابد؛ زیرا حسابرس آشنایی بیشتری با فعالیتهای صاحبکار و مسائل گزارشگری آن به دست می‌آورد و باعث افزایش تجارب حسابرس می‌شود. اکثر مطالعات رابطه مثبتی بین کیفیت حسابرسی و دوره تصدی حسابرس مشاهده نمودند. لیبی و فردریک^۳ (۱۹۹۰) دریافتند که تجارب حسابرس موجب می‌شود وی فهم بهتری از خطاهای مالی شرکت کسب کند در نتیجه میزان خطای بعدی کاهش می‌یابد. مایرز^۴ (۲۰۰۳) دریافت قدر مطلق

1- Hogan

2- kwon

3- Libby and Frederick

4- Myers

اقدام تعهدی اختیاری و جاری در دوره تصدی طولانی تر کاهش می یابد. مانسی و همکاران^۱ (۲۰۰۴) بیان اظهار داشتند هزینه سرمایه با افزایش دوره تصدی حسابرسان کاهش می یابد. گوش و مون^۲ (۲۰۰۵) گزارش کردند ضریب واکنش سود با افزایش دوره تصدی حسابرسان افزایش می یابد. این مطالعات پیشنهاد می کنند که دوره تصدی طولانی تر با افزایش کیفیت سود و کاهش هزینه سرمایه مرتبط است. اما مایرز و همکاران در سال ۲۰۰۵ نشان دادند که با افزایش دوره تصدی حسابرسان ارائه نادرست افزایش سود بیشتر می گردد.

اثرات متقابل دوره تصدی و کیفیت صنعت حسابرسان بر کیفیت حسابرسان

مطالعات گذشته نشان داده است که ارتباط بین دوره تصدی و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش برای حسابرسان متخصص و غیر متخصص متفاوت است. به عنوان مثال فانگ (۲۰۰۷) نشان داد زمانی که حسابرسان شرکت، غیر متخصص است، اقدام تعهدی اختیاری در دوره تصدی کوتاه حسابرسان، بیشتر است و زمانی که حسابرسان شرکت متخصص است رابطه ای بین اقدام تعهدی اختیاری و دوره تصدی مشاهده نشد. مایرز و همکاران در سال ۲۰۰۵ نشان دادند در شرکت هایی که حسابرسان آنها غیر متخصص است با افزایش دوره تصدی حسابرسان احتمال ارائه نادرست صورتهای مالی به سمت افزایش سود بیشتر می شود. دلایل تئوریک وجود دارد که انتظار داشته باشیم اثرات دوره تصدی بر کیفیت حسابرسان برای متخصصین و غیر متخصصین متفاوت باشد؛ اما جهت این اثر مشخص نیست. چنانچه دوره تصدی باعث فراهم آمدن تجربه برای غیر متخصصین باشد مشابه آنچه متخصصین به آن دست یافته اند نابرابری اطلاعات ممکن است برای غیر متخصصین با افزایش دوره تصدی حسابرسان کاهش یابد. اما ممکن است چنین ارتباطی برای متخصصین وجود نداشته یا رابطه ضعیفی وجود داشته باشد. علاوه بر این از نظر بازار، منافع اقتصادی کسب شده توسط حسابرسان متخصص، احتمال اینکه حسابرسان متخصص در برابر گزارشگری مشکوک صاحبکار تسلیم شود را افزایش می دهد. همچنین احتمال تسلیم حسابرسان با

1- Mansi, et al.

2- Ghosh. and Moon

افزایش دوره تصدی حسابرس افزایش می‌یابد. متعاقباً ممکن است بازار انتظار داشته باشد که متخصصین صنعت از شهرت و منافع مرتبط با آن، با کناره‌گیری از درگیری با صاحبکار، حفاظت کنند. اگر دوره تصدی طولانی‌تر با خدشه وارد کردن به استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی را کاهش دهد، متخصصین ممکن است تا حدی مصون باشند زیرا آنها نرخ بالاتری از غیرمتخصصین دریافت می‌کنند. بنابراین در زمان شکست حسابرس، حسابرسان متخصص چیز بیشتری برای از دست دادن دارند. با توجه به تئوری‌های رقیب از لحاظ جهت روابط، پیش‌بینی انجام نمی‌شود و فرضیه سوم به شرح زیر تدوین می‌گردد:

پیشینه تحقیق

چو و چانگ^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان "آیا تخصص صنعت حسابرس، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد" رابطه کیفیت حسابرسی و هزینه سرمایه را در تایوان مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد شرکت‌هایی که از ۴ حسابرس بزرگ متخصص صنعت استفاده کرده‌اند هزینه سرمایه کمتری دارند و این رابطه زمانی که ساختار راهبری شرکت ضعیف است (مالکیت کم نهادی و عدم استقلال هیات مدیره)، قوی‌تر می‌باشد. عمری و حکیم^۲ (۲۰۱۰) رابطه بین نابرابری اطلاعات و کیفیت حسابرسی مستقل را در بازار سرمایه تونس مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش رابطه منفی با تخصص صنعت حسابرس و حسابرسان بزرگ و رابطه مثبت با دوره تصدی حسابرس دارد. البته رابطه مثبت بین دوره تصدی و نابرابری اطلاعات بین شرکت‌های با حسابرس متخصص و ۴ موسسه بزرگ و شرکت‌ها با حسابرس غیر متخصص متفاوت است. به عبارت دیگر رابطه مثبت بین دوره تصدی و نابرابری اطلاعات برای شرکت‌هایی که حسابرس آنها غیر متخصص و غیر از ۴ موسسه بزرگ حسابرسی هستند بیشتر است. آلموتری و همکاران (۲۰۰۹) رابطه نابرابری اطلاعات (تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش) را با دوره تصدی و تخصص صنعت حسابرس مورد بررسی قرار دادند نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان

1- Chou and Chang

2- Omri and Hakim

داد درک بازار از کیفیت افشای شرکت هایی که توسط حسابرس متخصص صنعت حسابداری شده اند بالاتر است و فرصت معاملات بر اساس اطلاعات محرمانه برای این شرکت ها کمتر است. همچنین نتایج این مقاله حاکی از آن است که نابرابری اطلاعات رابطه U شکل با دوره تصدی حسابرس دارد و بازار دوره بلند مدت رابطه حسابرس صاحبکار را به عنوان کاهش در کیفیت افشا تلقی می کند اما این کاهش کیفیت در شرکت های با حسابرس متخصص کمتر است. لو و وسواری^۱ (۲۰۰۹) در مقاله ای با عنوان "تخصص صنعت حسابرس و هزینه بدهی" این موضوع را مورد بررسی قرار دادند که آیا انتخاب حسابرس متخصص می تواند هزینه انتشار بدهی را کاهش دهد؟ نتایج تحقیق نشان داد شرکت هایی که از حسابرس متخصص استفاده کردند رتبه بدهی بهتری دریافت نموده اند و نرخ کمتری برای انتشار اوراق قرضه پرداخت کردند. گول و همکاران^۲ (۲۰۰۹) به بررسی تاثیر تخصص صنعت بر رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود پرداختند نتایج این تحقیق نشان می دهد که رابطه بین دوره کوتاه مدت دوره تصدی حسابرس و کیفیت پایین تر سود برای صاحبکارانی که توسط حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی می شوند نسبت به دیگران ضعیف تر است.

کرمی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه میان طول دوره تصدی حسابرس و میزان مدیریت سود را در ۱۳۳ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق ابتدا رابطه میان دوره تصدی حسابرس و قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری به عنوان انعطاف پذیری در مدیریت سود مورد آزمون قرار گرفت که نتایج نشان می دهد با افزایش دوره تصدی حسابرس، انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش می یابد. سپس در بررسی رابطه میان دوره تصدی و سطح اقلام تعهدی اختیاری، نتایج به رابطه منفی معناداری رسید که بیانگر این ادعا است که مدیریت از انعطاف پذیری به وجود آمده در جهت منفی استفاده می کند. بنابراین با توجه به یافته های این تحقیق می توان گفت وجود رابطه طولانی مدت میان صاحبکار و حسابرس، باعث افزایش انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می گردد؛ اما این استفاده بیشتر در جهت

1- Lou and Vasvari

2- Gul, et al.

کاهش سود (محافظه کارانه) است. علوی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "کیفیت حسابرسی و پیش‌بینی سود" رابطه بین کیفیت حسابرسی و پیش‌بینی سود را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ می‌باشد. شواهد موجود بیانگر این است زمانی که شرکت‌ها توسط حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند صحت پیش‌بینی سود بالاتر و انحراف پیش‌بینی سود کمتر است. همچنین اندازه موسسه حسابرسی با انحراف پیش‌بینی سود رابطه معکوس دارد. در کل نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی که بر اساس اندازه حسابرس و تخصص صنعت حسابرس مشخص می‌شود با پیش‌بینی دقیق تر سود رابطه دارد.

فرضیه‌های تحقیق

بر مبنای بررسی‌های انجام شده و مبانی نظری موجود، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین شد:

۱. نابرابری اطلاعات در شرکت‌هایی که حسابرس آنها متخصص صنعت است کمتر از شرکت‌هایی است که حسابرس آنها غیر متخصص است.
۲. نابرابری اطلاعات با افزایش دوره تصدی حسابرس کاهش می‌یابد.
۳. رابطه بین دوره تصدی و نابرابری اطلاعات در شرکت‌هایی که حسابرس متخصص صنعت دارند با شرکت‌هایی که حسابرس آنها غیرمتخصص است تفاوت معنی‌داری دارد.

روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ طبقه‌بندی بر حسب هدف، کاربردی و از نظر طبقه‌بندی بر مبنای روش، توصیفی و از نوع همبستگی است. زیرا رابطه بین متغیرهای وابسته و مستقل را بررسی می‌کند. متغیرهای مستقل تحقیق: تخصص صنعت حسابرس، دوره تصدی حسابرس و رابطه متقابل تخصص صنعت حسابرس و دوره تصدی حسابرس، متغیر وابسته: تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش و متغیرهای کنترلی: اندازه شرکت، حجم معاملات، انحراف استاندارد بازده، قیمت سهام و سن شرکت می‌باشد. داده‌های پژوهش از طریق جمع‌آوری داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های

مالی و با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین و فایل اکسس مربوط به قیمت‌های پیشنهاد خرید و فروش جمع‌آوری و بعد از محاسبه آمارهای توصیفی و آزمون مانایی (ایستایی) متغیرهای پژوهش و بررسی برقرار بودن پیش‌فرض‌های مدل (استقلال جملات خطا، همسانی واریانس جملات خطا، نرمال بودن جملات خطا و متغیر وابسته و عدم وجود خودهمبستگی)، مدل‌های رگرسیون پژوهش، برازش و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. کلیه آزمون‌ها با استفاده از نرم افزار EViews6 انجام گردیده است. مبنای قبول فرضیه‌ها سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

دوره زمانی این پژوهش از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و انتخاب نمونه از این جامعه با در نظر گرفتن معیارهای زیر به روش غربالگری انجام شده است:

۱. طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ حسابرس خود را تغییر داده باشد،
 ۲. اطلاعات مورد نیاز شرکت در دوره زمانی تحقیق در دسترس باشد،
 ۳. پایان سال مالی شرکت پایان اسفند باشد و طی دوره زمانی تحقیق، تغییر سال مالی نداده باشد،
 ۴. سهام شرکت طی هر یک از سال‌های دوره تحقیق معامله شده باشد،
 ۵. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۵۸ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ شرایط فوق را دارا بوده و به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

مدل‌های تحقیق و معرفی متغیرها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش داده‌های ترکیبی^۱ و جهت آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون حداقل مربعات عادی استفاده می‌شود. برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم تحقیق از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره ۱ و ۲ استفاده می‌شود. به عبارت دیگر،

1- Pooled model

از مدل‌های رگرسیون ۱ و ۲ برای آزمون تفاوت در شکاف قیمت پیشنهاد خرید و فروش شرکت‌هایی که از حسابرس متخصص صنعت بهره می‌برند و یا رابطه طولانی مدت با حسابرس خود دارند نسبت به شرکت‌هایی که حسابرس متخصص ندارند و یا رابطه کوتاه مدتی با حسابرس خود دارند، استفاده می‌شود. در هر دو مدل متغیرهای کنترل یکسان است و متغیر *change* وجود دارد تا اثر بکارگیری حسابرس جدید بر شکاف قیمتی آزمون شود. در هر دو مدل متغیر تخصص از رویکرد سهم بازار محاسبه شده است. در مدل ۱، دوره تصدی حسابرس به دوره‌های کوتاه، متوسط و طولانی تقسیم شده در حالی که در مدل ۲ دوره تصدی حسابرس به صورت مستمر در مدل وارد شده است. در مدل ۱ و ۲ چنانچه ضریب β_6 منفی و معنی دار باشد حاکی از این است که تخصص صنعت حسابرس منجر به کاهش نابرابری اطلاعات می‌شود و برعکس و اگر ضریب β_7 منفی و معنی دار باشد بیانگر این مطلب است که تغییر حسابرس باعث کاهش نابرابری اطلاعات می‌شود. در مدل ۱ در صورتی که ضریب β_9 منفی و معنی دار باشد بدین معنی است که رابطه طولانی مدت با حسابرس، کاهش نابرابری اطلاعات را در پی دارد و برعکس. در مدل ۲، چنانچه ضریب β_8 منفی و معنی دار باشد حاکی از این است که هرچه دوره تصدی طولانی تر باشد نابرابری اطلاعات کاهش می‌یابد و برعکس.

مدل ۱

$$Spread_i = a_i + \beta_1 Turnover_i + \beta_2 Volatility_i + \beta_3 Size_i + \beta_4 Price_i + \beta_5 Age_i + \beta_6 Speci_i + \beta_7 Change_i + \beta_8 Short_i + \beta_9 Long_i + \varepsilon$$

مدل ۲

$$Spread_i = a_i + \beta_1 Turnover_i + \beta_2 Volatility_i + \beta_3 Size_i + \beta_4 Price_i + \beta_5 Age_i + \beta_6 Speci_i + \beta_7 Change_i + \beta_8 Tenure_i + \varepsilon$$

و برای آزمون فرضیه سوم از مدل رگرسیون خطی چند متغیره ۳ استفاده می‌شود. در این مدل تاثیر تخصص صنعت بر رابطه بین دوره تصدی و نابرابری اطلاعات آزمون می‌شود و علاوه بر متغیرهای مدل ۱، متغیرهای *Speci×Short*، *Speci×Change* و *Speci×Long* نیز وارد مدل می‌شود. چنانچه به عنوان مثال β_{12} منفی و معنی دار باشد بدین معنی است که در شرکت‌هایی که توسط حسابرس متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند، رابطه طولانی مدت با حسابرس متخصص منجر به کاهش نابرابری اطلاعات می‌شود و چنانچه معنی دار نباشد بدین معنی است که تخصص صنعت بر تاثیر طولانی

مدت با حسابرس بر نابرابری اطلاعات موثر نمی‌باشد.

مدل ۳

$$Spread_i = a_i + \beta_1 Turnover_i + \beta_2 Volatility_i + \beta_3 Size_i + \beta_4 Price_i + \beta_5 Age_i + \beta_6 Speci_i + \beta_7 Change_i + \beta_8 Short_i + \beta_9 Long_i + \beta_{10} Speci_i \times Change_i + \beta_{11} Speci_i \times Short_i + \beta_{12} Speci_i \times Long_i + \varepsilon$$

$Spread_i$ ، میانه تفاوت بهترین قیمت پیشنهادی خرید با بهترین قیمت پیشنهادی فروش طی ۷ روز قبل تا ۷ روز بعد از اعلان سود شرکت i می‌باشد و به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$SPREAD = (AP - BP) / ((AP + BP) / 2)$$

SPREAD: تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، AP (ASK PRICE): قیمت پیشنهادی فروش سهام، BP (BID PRICE): قیمت پیشنهادی خرید سهام، $Turnover_i$: میانه حجم معاملات هم مقیاس شده شرکت i طی دوره اندازه گیری (۷ روز قبل تا ۷ روز بعد از اعلان سود)، حجم معاملات هم مقیاس شده برابر است با حجم معاملات تقسیم به تعداد سهام شرکت (Volume / Share)، $Volatility_i$: انحراف استاندارد بازده روزانه شرکت i طی دوره اندازه گیری، $Size_i$: لگاریتم میانه ارزش بازار شرکت i طی دوره اندازه گیری، $Price_i$: میانه قیمت روزانه سهام طی دوره اندازه گیری، Age_i : سن شرکت i ، $Speci_i$: تخصص صنعت حسابرس شرکت i که با رویکرد سهم بازار اندازه گیری شده است، بر طبق این معیار:

$$MKTSHR_{ik} = \frac{\sum_{j=1}^{J_{ik}} SALES_{ijk}}{\sum_{i=1}^{I_k} \sum_{j=1}^{J_{ik}} SALES_{ijk}}$$

i نشان دهنده حسابرسان و j بیانگر شرکتهای صاحبکار، k بیانگر صنایع حسابرسی شده و I_k : تعداد حسابرسان صنعت k ،

J_{ik} : صاحبکاران حسابرسی شده توسط حسابرس i در صنعت k ، $SALES_{ijk}$: درآمد فروش صاحبکار j حسابرسی شده توسط حسابرس i می‌باشد. بر طبق بالسام و سایرین (۲۰۰۳) در صورتی حسابرس به عنوان متخصص صنعت طبقه بندی می‌شود که بالاترین سهم بازار در صنعت k را داشته باشد و آن سهم از دومین سهم بازار حسابرس حداقل ۱۰٪ بیشتر باشد. $Tenure_i$: دوره تصدی حسابرس شرکت i و برابر است با تعداد سالهای رابطه حسابرس - صاحبکار، $Change_i$: برابر ۱ است چنانچه دوره تصدی حسابرس شرکت i برابر ۱ باشد و در غیر این صورت صفر است، $Short_i$: برابر ۱ است چنانچه $3 \leq tenure \leq 2$ و در غیر این صورت صفر است، $Long_i$: برابر ۱ است

چنانچه $Tenure \geq 10$ و در غیر این صورت صفر است، متغیر Medium که برابر است با ۱ چنانچه $4 \leq tenure \leq 9$ در معادله رگرسیون اول در نظر گرفته نمی شود زیرا از این متغیر جهت مقایسه دوره کوتاه با دوره متوسط و مقایسه دوره طولانی با دوره متوسط استفاده می شود.

آمار توصیفی

جدول ۱ نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق را نشان می دهد. به طور متوسط ۳۷ درصد شرکت های نمونه، توسط موسسات حسابرسی متخصص صنعت (شاخص آن رویکرد سهم بازار می باشد) حسابرسی می شوند. دوره تصدی حسابرس به طور میانگین ۳/۶۸ سال با انحراف معیار ۲/۶ سال می باشد در حالی که حداکثر دوره تصدی، ۱۳ سال بوده است. تقریباً ۲۲٪ مشاهدات شرکت - سال شاهد تغییر حسابرس بودند، ۳۶٪ مشاهدات رابطه ۲ تا ۳ سال، ۳۸٪ رابطه ۴ تا ۹ سال و تقریباً ۴٪ رابطه بیش از ۹ سال با حسابرس خود داشته اند. تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش که شاخصی برای نابرابری اطلاعات است به طور متوسط ۱۵٪ با انحراف معیار ۱۰٪ می باشد. سن شرکت ها به طور متوسط ۲۰ سال می باشد و بیشترین مقدار آن ۴۵ سال است.

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی

انحراف معیار	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	تعداد	
۰/۱۰۰۶۶۷	۰/۱۵۳۳۴۸	۰/۱۳۳۴۲۹	۰/۷۴۹۱۴۱	۰/۰۱۱۵۸	۳۹۴	تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش (Spread)
۱۴/۶۴۵۹۹	۶/۱۴۰۱۸۸	۰/۶۴۱۵۶۴	۶۳/۹۴۴۸	۰/۰۰۰۵۶۲	۳۹۴	حجم معاملات هم مقیاس شده (Turnover)
۱/۶۳۲۱۸	۱/۷۴۲۵۵۴	۱/۳۶۷۶۵۰	۸/۶۶۶۷۲۴	۰	۳۹۴	تغییر پذیری بازده (Volatility)
۱/۲۹۲۶۸۰	۱۱/۸۷۲۰۷	۱۱/۷۴۰۸۹	۱۵/۸۴۰۳۹	۷/۸۴۳۸۴۹	۳۹۴	اندازه شرکت (size)
۶۳۹۶/۸۴۴	۵۲۰۲/۱۵۴	۳۰۲۶/۵	۷۳۹۰۰	۲۱۵	۳۹۴	قیمت سهام (price)
۱۱/۰۳۴۹۷	۲۰/۰۲۰۳۰	۱۷/۵	۴۵	۱	۳۹۴	سن شرکت (Age)
۰/۴۸۲۱۷۷	۰/۳۶۵۴۸۲	۰	۱	۰	۳۹۴	تخصص صنعت حسابرس (Speci)
۰/۴۱۷۰۲۱	۰/۲۲۳۳۵	۰	۱	۰	۳۹۴	تغییر حسابرس (Change)
۰/۴۸۰۷۲۹	۰/۳۶۰۴۶	۰	۱	۰	۳۹۴	دوره کوتاه تصدی حسابرس (Short)
۱/۴۸۵۵۴۸	۰/۳۷۸۱۷۳	۰	۱	۰	۳۹۴	دوره متوسط تصدی حسابرس (Medium)
۰/۱۹۱۶۱۱	۰/۰۳۸۰۷۱	۰	۱	۰	۳۹۴	دوره طولانی تصدی حسابرس (Long)
۲/۶۰۳۶۱۰	۳/۶۷۷۶۶۵	۳	۱۳	۱	۳۹۴	دوره تصدی حسابرس (Tenure)

آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

برای بررسی پایایی متغیرها می‌توان از آزمون‌های (لوین، لین و چاو^۱، بریتونگک^۲، آیم، پسران و شین^۳، آزمون فیشر براساس فیلیپس پرون و دیکی فولر تعمیم یافته^۴ و هدری^۵) استفاده کرد. در این پژوهش از آزمون فیشر براساس فیلیپس پرون و دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۲ به تصویر کشیده شده است.

1- Levin, Lin and Chu

2- Breitung

3- Im, Pesaran and Shin

4- Fisher-Type Tests Using ADF and PP Tests

5- Hadri

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی و ریشه واحد در سطح (level) متغیرهای پژوهش

Tenure	Long	Short	Change	Speci	Ag	price	size	Volatility	Turnover	Spread	
-۹/۷۱۳ (۰/۰۰۰)	-۹/۵۰۲ (۰/۰۰۰)	-۱۵/۵۴۲ (۰/۰۰۰)	-۲۱/۰۶۹ (۰/۰۰۰)	-۷/۳۱۳ (۰/۰۰۰)	-۵/۳۴۸ (۰/۰۰۰)	-۸/۴۰۰۳ (۰/۰۰۰)	-۶/۷۳۴ (۰/۰۰۰)	-۱۸/۲۷۲ (۰/۰۰۰)	-۱۸/۸۰۹۰ (۰/۰۰۰)	-۸/۴۴۲۵ (۰/۰۰۰)	آزمون دیکی فولر تعمیم یافته
-۹/۵۴۶ (۰/۰۰۰)	-۱۰/۴۴۶ (۰/۰۰۰)	-۱۷/۸۱۸ (۰/۰۰۰)	-۲۱/۰۵۵ (۰/۰۰۰)	-۷/۱۷۷ (۰/۰۰۰)	-۵/۴۴۴ (۰/۰۰۰)	-۱۱/۹۶۵ (۰/۰۰۰)	-۶/۶۱۳ (۰/۰۰۰)	-۱۸/۲۳۳ (۰/۰۰۰)	-۱۸/۸۰۶۱ (۰/۰۰۰)	-۱۵/۸۳۷ (۰/۰۰۰)	آزمون فیلیپس پرل

همان گونه که از جدول شماره ۲ قابل مشاهده است، در تمامی متغیرها براساس دو روش مورد استفاده، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و بر این اساس متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در سطح مانا (ایستا) می باشند.

برآورد مدل های پژوهش و آزمون فرضیه ها

استفاده از رگرسیون خطی در صورتی میسر است که مفروضات آن رعایت شود. بر اساس آزمون های صورت گرفته مفروضات استفاده از رگرسیون برقرار است. از جمله استقلال جملات خطا (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش بینی شده توسط مدل رگرسیون) با استفاده از آزمون دوربین واتسون و همچنین همسانی واریانس جملات خطا با استفاده از آزمون های وایت^۱ و پریش - پاگان - گادفری^۲ آزمون شد. در صورتی که سطح معنی داری از ۰/۰۵ بیشتر باشد فرض صفر مبنی بر تساوی واریانس جملات خطا پذیرفته می شود. همچنین چنانچه آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد بیانگر استقلال جملات خطا می باشد. نتایج مربوط به آزمون های دوربین واتسون، وایت و پریش - پاگان - گادفری در جداول مربوط به برازش مدل های ۱، ۲ و ۳ گزارش شده است. که در هر سه مدل بیانگر این است که مفروضات استقلال و

1- White

2- Breusch-Pagan-Godfrey

همسانی واریانس جملات خطا برقرار می‌باشد.

جدول ۳ نتایج برازش معادله اول و دوم رگرسیون برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم را نشان می‌دهد. آماره F بخش الف جدول ۳ که دوره تصدی حسابرس را به دوره‌های کوتاه، متوسط و طولانی تقسیم کرده است، نشان می‌دهد مدل در کل برازش مطلوبی دارد. R^2 تعدیل شده مدل حاکی از این است که ۲۹/۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نابرابری اطلاعات) توسط مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. نتایج برازش مدل رگرسیون بیانگر این است که تغییر پذیری بازده (Volatility)، قیمت سهام و اندازه شرکت که متغیر کنترلی هستند معنی‌دار هستند و علامت آنها مطابق با تحقیقات پیشین می‌باشد؛ به عبارت دیگر تغییر پذیری زیاد بازده اثر مثبتی بر نابرابری اطلاعاتی دارد و قیمت سهام و اندازه شرکت تاثیر منفی بر شکاف قیمت پیشنهاد خرید و فروش دارد یعنی هر چه اندازه شرکت بزرگتر باشد نابرابری اطلاعاتی کمتر می‌باشد زیرا اطلاعات این شرکت‌ها توسط افراد بیشتری پیگیری می‌شود و فرصت کسب اطلاعات محرمانه کاهش می‌یابد. سایر متغیرهای کنترل این تحقیق (Age و Turnover) تاثیر معنی داری بر شکاف قیمت پیشنهاد خرید و فروش ندارند.

ضریب تخصص صنعت حسابرس، منفی و معنی دار است و بیانگر این مطلب است که حسابرسان متخصص صنعت با ارائه حسابرسی با کیفیت بالاتر و اطلاعات مربوط تر باعث کاهش نابرابری اطلاعات می‌شوند؛ به عبارت دیگر شرکت هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند شکاف قیمتی کمتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که تغییر حسابرس بر شکاف قیمتی تاثیر منفی و معنی داری دارد؛ به عبارت دیگر از آنجایی که تغییر حسابرس موجب استقلال بیشتر او می‌شود از دید بازار، کیفیت اطلاعات بهبود یافته و فرصت کسب اطلاعات محرمانه کاهش می‌یابد و در نتیجه نابرابری اطلاعات کمتر می‌شود. در دومین و سومین سال ارائه خدمات حسابرسان (short) نسبت به دوره متوسط (medium) (۴ تا ۹ سال رابطه بین حسابرس و صاحبکار) نابرابری اطلاعات بیشتری وجود دارد همچنین نتایج نشان می‌دهد که نابرابری اطلاعات در رابطه بیشتر از ۹ سال (long) حسابرسان با صاحبکار، نسبت به نابرابری اطلاعات در رابطه بین ۴ تا ۹ سال (medium) حسابرسان با صاحبکار کمتر می‌باشد.

جدول ۳. رابطه تخصص صنعت و دوره تصدی حسابرس با نابرابری اطلاعات

بخش الف:			
$Spread_i = a_i + \beta_1 Turnover_i + \beta_2 Volatility_i + \beta_3 size_i + \beta_4 Age_i + \beta_5 Spec_i + \beta_6 Change_i + \beta_7 Short_i + \beta_8 Long_i + \varepsilon$			
متغیرها	ضریب	آماره t	Sig
عرض از مبدا	۰/۲۸۵	۸/۵۴۴	۰/۰۰۰۰
SPECI	-۰/۰۴۴	-۷/۱۲۲	۰/۰۰۰۰
CHANGE	-۰/۰۲۹	-۳/۶۴۳	۰/۰۰۰۳
SHORT	۰/۰۱۴۱	۲/۰۵۶	۰/۰۴۰۶
LONG	-۰/۰۰۵	-۳/۱۱۱	۰/۰۰۲۰
TURNOVER	۰/۰۰۰۰۰۹	۰/۲۳۰	۰/۸۱۸۱
VOLATILITY	۰/۰۱۲	۶/۲۰۵	۰/۰۰۰
SIZE	-۰/۰۱۲	-۴/۲۷۱	۰/۰۰۰۰
PRICE	-۰/۰۰۰۰۰۱	-۲/۱۲۲	۰/۰۳۴۶
AGE	-۰/۰۰۰۰۰۷	۰/۲۸۶	۰/۷۷۴۸
آماره R ² : ۰/۳۵۵۸	Adjusted R ² : ۰/۳۳۷۷	دوربین واتسون (DW): ۱/۶۱۴	آماره F: ۱۹/۶۹۸ (۰/۰۰۰)
آماره های مربوط به آزمون پربوش- پاکان- گادفری	آماره F: ۰/۸۹۴۰۱ sig(F): ۰/۵۳۰۸	آماره Obs*R-squared: ۸/۰۹۴۵۸۷ Sig(Chi-Square): ۰/۵۲۴۶	آماره Scaled explained SS: ۴/۴۹۷۴۵۵ Sig(Chi-Square): ۰/۸۷۵۷
آماره های مربوط به آزمون وایت	آماره F: ۰/۹۱۲۲ sig(F): ۰/۶۳۸۳	آماره Obs*R-squared: ۴۳/۵۵۷۶۵ Sig(Chi-Square): ۰/۶۱۵۹	آماره Scaled explained SS: ۲۴/۲۰۱۱۸ Sig(Chi-Square): ۰/۹۹۷۶

بخش ب:

$$Spread_i = a_i + \beta_1 Turnover_i + \beta_2 Volatility_i + \beta_3 Size_i + \beta_4 Price_i + \beta_5 Age_i + \beta_6 Speci_i + \beta_7 Change_i + \beta_8 Tenure_i + \varepsilon$$

متغیرها	ضریب	آماره t	Sig
عرض از مبدا	۰/۳	۸/۱۴۴	۰/۰۰۰۰
SPECI	-۰/۰۴۱	-۵/۶۴۹	۰/۰۰۰۰
CHANGE	-۰/۰۳۲	-۳/۱۸۹	۰/۰۰۱۶
TENURE	-۰/۰۰۳	-۱/۹۲۰	۰/۰۵۵۷
TURNOVER	۰/۰۰۰۰۰۱	۰/۰۲۶	۰/۹۷۹۲
VOLATILITY	۰/۰۱۰	۴/۶۸۵	۰/۰۰۰۰
SIZE	-۰/۰۱۲	-۳/۶۴۸	۰/۰۰۰۳
PRICE	-۰/۰۰۰۰۰۱	-۱/۸۸۶	۰/۰۶۰۱
AGE	۰/۰۰۰۰۰۹	۰/۲۹۸	۰/۷۶۶۰
R^2 : ۰/۲۲۵۳	Adjusted R ² : ۰/۲۰۷۶	آماره F: ۱۲/۷۲۴ (۰/۰۰۰)	دوربین واتسون (DW): ۱/۵۳۹
آماره های مربوط به آزمون پریوش - پاگان - گادفری	آماره F: ۱/۳۳۱۷	آماره Obs*R-squared: ۹/۲۸۴۶	آماره Scaled explained SS: ۵/۷۶۶
	sig(F): ۰/۲۳۴۵	Sig(Chi-Square): ۰/۲۳۲۹	Sig(Chi-Square): ۰/۵۶۷۳
آماره های مربوط به آزمون وایت	آماره F: ۱/۲۰۳۹	آماره Obs*R-squared: ۳۷/۸۸۲۷	آماره Scaled explained SS: ۲۳/۵۲۵۹
	sig(F): ۰/۲۱۴۵	Sig(Chi-Square): ۰/۲۱۸۷	Sig(Chi-Square): ۰/۸۶۱۱

آماره F مدل ۲ (بخش ب جدول ۳ که دوره تصدی حسابرسان به صورت مستمر در مدل وارد شده) نشان می‌دهد که در کل، مدل برازش مطلوبی دارد همچنین R^2 تعدیل شده بیانگر این است که ۲۰/۷۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نابرابری اطلاعات) توسط مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. ضریب متغیر تخصص مجدداً معنی‌دار و منفی می‌باشد و بیانگر این مطلب است که تخصص صنعت حسابرسان باعث کاهش نابرابری اطلاعات می‌شود. بنابراین با توجه به بخش الف و ب، می‌توان گفت فرضیه اول این پژوهش تایید می‌شود.

همچنین نتایج نشان می‌دهد دوره تصدی حسابرسان تاثیر منفی و معنی‌داری بر نابرابری اطلاعات دارد و به طور کلی با توجه به بخش الف و ب می‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرضیه دوم نیز تایید می‌شود. به عبارت دیگر هر چه دوره تصدی حسابرسان بیشتر می‌شود با افزایش تجارب حسابرسان و شناخت وی از محیط عملیاتی صاحبکار، کیفیت حسابرسانی بهبود می‌یابد و با بهبود کیفیت اطلاعات در دسترس عموم، نابرابری اطلاعاتی کاهش می‌یابد.

نتایج برازش مدل رگرسیون برای آزمون فرضیه سوم در جدول ۴ ارائه شده است. در این مدل تفاوت قیمت پیشنهاد خرید و فروش دوره متوسط تصدی حسابرسان غیر متخصص برای مقایسه به کار می‌رود. آماره F نشان می‌دهد که در کل، مدل برازش مطلوبی دارد و ۳۳/۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط مدل رگرسیون توضیح داده می‌شود. نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیون نشان می‌دهد ضریب تخصص صنعت حسابرسان منفی و معنی‌دار است به این معنی است که نابرابری اطلاعاتی شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص با دوره تصدی متوسط حسابرسانی می‌شوند کمتر از نابرابری اطلاعاتی شرکت‌هایی است که توسط حسابرسان غیر متخصص صنعت با دوره تصدی متوسط حسابرسانی می‌شوند. ضریب منفی اما غیر معنی‌دار متغیر Short نشان می‌دهد شکاف قیمت پیشنهاد خرید و فروش شرکت‌های حسابرسانی شده توسط حسابرسان غیر متخصص با دوره کوتاه تصدی با شکاف قیمتی شرکت‌های حسابرسانی شده توسط حسابرسان غیر متخصص با دوره متوسط تصدی تفاوت معنی‌داری ندارد. وارد کردن متغیرهایی که تاثیر متقابل تخصص و دوره تصدی حسابرسان را بر نابرابری اطلاعات مورد بررسی قرار می‌دهند به ما امکان آزمون فرضیه سوم را

می‌دهد یعنی آیا تاثیر دوره تصدی حسابرس بر نابرابری اطلاعات بین حسابرسان متخصص و غیر متخصص متفاوت است یا خیر؟ ضریب متغیرهای $\text{Speci} \times \text{Change}$ ، $\text{Speci} \times \text{Short}$ و $\text{Speci} \times \text{Long}$ غیر معنی دار است و به این ترتیب فرضیه سوم تایید نمی‌شود و بر خلاف مطالعات گذشته ارتباط بین دوره تصدی و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش برای حسابرسان متخصص و غیر متخصص تفاوت معنی داری ندارد.

جدول ۴. نتایج برازش مدل رگرسیون جهت بررسی اثرات متقابل تخصص صنعت حسابرس و دوره تصدی او بر نابرابری اطلاعات

$$Spread_i = a_i + \beta_1 Turnover_i + \beta_2 Volatility_i + \beta_3 Size_i + \beta_4 Price_i + \beta_5 Age_i + \beta_6 Spec_i + \beta_7 Change_i + \beta_8 Short_i + \beta_9 Long_i + \beta_{10} Spec_i \times Change_i + \beta_{11} Spec_i \times Short_i + \beta_{12} Spec_i \times Long_i + \varepsilon$$

متغیرها	ضریب	آماره t	Sig
عرض از مبدا	۰/۲۸۷	۸/۵۲۱	۰/۰۰۰۰
SPECI	-۰/۰۳۹	-۳/۹۲۴	۰/۰۰۰۱
CHANGE	-۰/۰۲۷	-۲/۶۹۸	۰/۰۰۷۴
SHORT	۰/۰۱۹	۲/۱۲۵	۰/۰۳۴۴
LONG	-۰/۰۵۵	-۲/۹۷۵	۰/۰۰۳۲
TURNOVER	۰/۰۰۰۰۰۸	۰/۱۸۸	۰/۸۵۰۸
VOLATILITY	۰/۰۱۲	۶/۰۷۸	۰/۰۰۰۰
SIZE	-۰/۰۱۲	-۴/۳۱۷	۰/۰۰۰۰
PRICE	-۰/۰۰۰۰۰۱	-۲/۰۸۲	۰/۰۳۸۱
AGE	-۰/۰۰۰۱	-۰/۴۱۱	۰/۶۸۲۰
SPECICHANG	-۰/۰۰۶	-۰/۳۵۳	۰/۷۲۴۳
SPECISHORT	-۰/۰۱۲	-۰/۸۳۱	۰/۴۰۶۸
SPECILONG	۰/۰۲۲	۰/۵۹۳	۰/۵۵۳۶
	Adjusted R ² : ۰/۳۳۴۱	آماره F: ۱۴/۷۹۹	دوربین واتسون (DW): ۱/۶۱۳
	آماره F: ۰/۹۴۴۶	آماره Obs*R-squared: ۱۰/۴۴۱۹۸	آماره Scaled explained SS: ۵/۸۰۱۲
آماره های مربوط به آزمون پریش - پاگان - گادفری	۰/۴۹۷۶ :sig(F)	۰/۴۹۷۶ :Sig(Chi-Square)	۰/۸۸۶۳ :Sig(Chi-Square)
	آماره F: ۰/۸۴۵۷	آماره Obs*R-squared: ۴۰/۷۷۸۲	آماره Scaled explained SS: ۲۲/۶۵۵۰
آماره های مربوط به آزمون وایت	۰/۷۵۲۵ :sig(F)	۰/۷۲۷۶ :Sig(Chi-Square)	۰/۹۹۱ :Sig(Chi-Square)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این پژوهش از شکاف قیمت پیشنهاد خرید و فروش، معیاری از نابرابری اطلاعات، برای آزمون درک بازار از نقش تخصص صنعت و دوره تصدی حسابرس در کیفیت حسابرسی بهره می‌برد. نتایج این پژوهش رابطه منفی بین تخصص صنعت حسابرس، اندازه‌گیری شده بر مبنای مدل سهم بازار، و نابرابری اطلاعات را نشان می‌دهد که مهر تاییدی بر این ادعاست که از دیدگاه بازار فرصت کسب اطلاعات محرمانه در مورد شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت حسابرسی می‌شوند، کمتر است. چرا که بازار معتقد است حسابرسان متخصص صنعت، اطلاعات کامل‌تر، مربوط‌تر و قابل اعتمادتر را موجب می‌شوند و با یافته‌های چو و چانگ (۲۰۱۱)، عمری و حکیم (۲۰۱۰)، آلومتری و همکاران (۲۰۰۹)، لو و وسواری (۲۰۰۹) و اسکاور (۲۰۰۰) مطابقت دارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دوره تصدی حسابرس با نابرابری اطلاعات رابطه منفی دارد و مطابق با این دیدگاه است که افزایش دوره تصدی موجب افزایش تجارب حسابرس و شناخت وی از محیط عملیاتی و کنترل‌های داخلی شرکت صاحبکار شده و در نتیجه درک بهتری از خطاهای مالی شرکت کسب می‌کند. بدین ترتیب میزان خطای بعدی کاهش می‌یابد. این نتایج مطابق با یافته‌های عمری و حکیم (۲۰۱۰)، گوش و مون (۲۰۰۵) و لیبی و فردریک (۱۹۹۹) و مغایر با یافته‌های آلومتری و همکاران (۲۰۰۹) می‌باشد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد تغییر حسابرس رابطه منفی با نابرابری اطلاعات دارد به عبارت دیگر انتصاب حسابرسان جدید علامتی است به بازار که کیفیت اطلاعات بهبود یافته است. همچنین یافته‌های حاصل از این تحقیق حاکی از این مطلب است که رابطه بین نابرابری اطلاعات و دوره تصدی حسابرس برای حسابرسان متخصص و غیرمتخصص تفاوت معنی‌داری ندارد و از این منظر با یافته‌های عمری و حکیم (۲۰۱۰)، آلومتری و همکاران (۲۰۰۹) و گول و همکاران (۲۰۰۹) مغایر است.

یافته‌های تحقیق حاکی از این مطلب است که تخصص صنعت حسابرس و دوره تصدی حسابرس تاثیر مثبتی در کاهش نابرابری اطلاعات دارد. بنابراین شرکت‌هایی که به دنبال کاهش نابرابری اطلاعاتی و افزایش نقد شوندگی سهام خود هستند می‌توانند از حسابرسان متخصص استفاده کرده و رابطه خویش با حسابرسانشان را حفظ نمایند.

با توجه به نتایج تحقیق مشخص است که بازار در ارزیابی کیفیت حسابرسی، به دو عامل تخصص صنعت و دوره تصدی حسابرس توجه می کند اما احتمالاً عوامل دیگری هم وجود دارند که بر درک بازار از کیفیت اطلاعات و در نتیجه فرصت کسب اطلاعات محرمانه و نابرابری اطلاعات تاثیر می گذارند که در تحقیقات آتی می توان این عوامل را در نظر گرفت.

طبق یافته های این تحقیق روابط طولانی مدت صاحبکار و حسابرس نه تنها نگران کننده نیست بلکه منجر به بهبود کیفیت اطلاعات منتشر شده و در نتیجه کاهش نابرابری اطلاعات می شود؛ در نتیجه پیشنهاد می شود با توجه به هزینه بر بودن تغییر حسابرس، قانون چرخش حسابرس هر ۴ سال یکبار مورد تجدید نظر قرار گرفته و تغییر حسابرس امری اختیاری گردد.

این پژوهش همانند سایر تحقیقات با محدودیت هایی روبرو بوده است؛ که مهم ترین آن کسب اطلاعات درباره متغیر دوره تصدی حسابرسان شرکت ها بود. وجود این محدودیت باعث شد شرایط جدیدی برای انتخاب نمونه لحاظ شود و در نتیجه حجم نمونه کاهش یابد و ممکن است تعمیم نتایج تحقیق را با محدودیت مواجه سازد. همچنین دقت مدل های اندازه گیری تخصص صنعت حسابرس و نابرابری اطلاعاتی و اعتبار درونی آن یکی دیگر از محدودیت های احتمالی می باشد. لذا پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی، محققان از مدل های دیگری جهت اندازه گیری تخصص صنعت حسابرس و نابرابری اطلاعاتی استفاده نمایند.

منابع و مأخذ

1. رضازاده، جواد، آزاد، عبدالله. (۱۳۸۷). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دانشگاه تهران، شماره ۵۴، صص ۶۳-۸۰.
2. علوی طبری سید حسین، خلیفه سلطان سید احمد و شهیندیان ندا. (۱۳۸۸). کیفیت حسابرسی و پیش بینی سود. تحقیقات حسابداری، شماره ۳.
3. گرمی غلام رضا، بذرافشان آمنه، محمدی امیر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود. دانش حسابداری ۲(۴).
4. نصراللهی زهرا، عارف منش زهره و رئیسی مهین. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین کیفیت حاکمیت شرکتی و نابرابری اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری مالی شماره ۲.
5. Almutairi Ali R and Kimberly A. Dunn and Terrance Skantz (2009). **Auditor tenure, auditor specialization, and information asymmetry.** *Managerial auditing journal* vol 24 no 7
6. Balsam, Steven; Krishnan, Jagan and Joon S. Yang. (2003). **Auditor industry specialization and earnings quality.** *Auditing: A Journal of Practice and Theory* , Vol. 22
7. Chou Sheng-Te and Chang Chia-Hsiang(2011). **Whether an auditor imagination of industry specialist reduces the cost of capital? Empirical from Taiwan.** Online: www.ssrn.com
8. DeAngelo, L.E. (1981), **Auditor size and audit quality.** *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3 No. 3, pp. 183-199.
9. Dunn, K. and Mayhew, B.W. (2004). **Audit firm industry specialization and client disclosure quality.** *Review of Accounting Studies*, Vol. 9 No. 1, pp. 35-58.
10. Ferguson, A., J. R. Francis, and D. J. Stokes.(2003). **The Effects of Firm-Wide Industry Expertise on Audit Pricing.** *The Accounting Review* 78: 429-448.
11. Ghosh A. and Moon D. (2005). **Auditor Tenure and Perceptions of Audit Quality.** *The Accounting Review*, Vol. 80, Issue 2, pp. 585-612.
12. Gul, Ferdinand A.; Fung, Simon Yu Kit and Bikki Jaggi. (2009). **Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise.** *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 47
13. Hogan, C. E. 1997. **Costs and Benefits of Audit Quality in the IPO Market: Self-Selection Analysis.** *The Accounting Review* 72: 67-86.
14. Kend Michael. (2008). **Client industry audit expertise: towards a better understanding.** *Pacific Accounting Review*, Vol. 20, PP. 49-62.

15. Kwon, S. Y. (1996). **The Impact of Competition Within the Clients' Industry on the Auditor Selection Decision.** *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 15: 53-70.
16. Krishnan, Gopal V. (2003). **Does Big-6 auditor industry experience constrain earnings management?.** *Accounting Horizons*, Vol. 17 (Supplement)
17. Libby, R. and Frederick, D. (1990), **Experience and the ability to explain audit findings.** *Journal of Accounting Research*, Vol. 28 No. 2, pp. 348-367.
18. Lou Yun and Vasvari Florin P. (2009). **Auditor Specialization and the Cost of Public.** Online: www.ssrn.com
19. Myers, J.N., Myers, L.A. and Omer, T. (2003). **Exploring the term of the auditor-client relationship,** *The Accounting Review*, Vol. 78, July, pp. 779-799.
20. Myers, J.N., Myers, L.A., Palmrose, Z. and Scholz, S. (2005). **The length of auditor-client relationships and financial statement restatements.** *working paper, University of Wisconsin, Madison, WI.*
21. Mayhew, B. W., and M. S. Wilkins. (2003). **Audit Firm Industry Specialization as a Differentiation Strategy: Evidence from Fees Charged to Firms Going Public .** *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 22: 33-52.
22. Neal, T.L. and Riley, R.R. Jr (2004), **Auditor industry specialist research design.** *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 23 No. 2, pp. 169-77.
23. Omri Ali and Hakim Faten. (2010). **Quality of the external auditor, information asymmetry, and bid-ask spread: Case of the listed Tunisian firms.** *International Journal of Accounting and Information Management.* Vol 18(1)
24. Schauer C. Paul .(2000).**The Effects of Industry Specialization on Audit Quality: An Examination Using Bid-ask Spreads.**
online:www.aaahq.org/audit/midyear/02midyear/papers
25. Watts, R. and Zimmerman, J.L. (1986). **Positive Accounting Theory.** *Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.*